

الحمد لله الرحمن الرحيم

"مطالب بیان شده در گزارش‌ها و انتشارات پژوهشگاه و مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، نتیجه تحقیقات پژوهشگران و بیان‌کننده دیدگاه‌های مؤلفان آنهاست و لزوماً موضع رسمی قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران یا نظرات پژوهشگاه نیست، مگر آن که به آن تصریح شده باشد."



سلسله نشست‌های تقداری
پژوهشکده استخراج و مطالعات رویه قضایی

وضعیت طرح دعوا توسط یا به طرفیت واحدی زیر مجموعه اشخاص حقوقی حقوق عمومی

۰۰۶۰۰۲۵

پژوهشگاه قوه قضائیه

عنوان قراردادی :	ایران، قوانین و احکام	Iran. Laws, etc.
عنوان و نام پدیدآور :	وضعیت طرح دعوا توسط یا به طرفیت واحدهای زیرمجموعه اشخاص حقوقی عمومی / تهیه و تنظیم پژوهشکده استخراج و مطالعات رویه قضایی؛ ناظران علمی روح‌الله قلی‌خانی، محمدرضا شفا، حمیدرضا شفیعی؛ ویراستار حقوقی محمدرضا شفا؛ ویراستار ادبی داود رفیعی.	
مشخصات نشر :	تهران: پژوهشگاه قوه قضاییه، قوه قضاییه، مرکز مطبوعات و انتشارات، ۱۴۰۰.	
مشخصات ظاهری :	۱۳۲ ص.	
فروست :	سلسله نشست‌های نقد رأی.	
شابک :	۹۷۸-۶۲۲-۷۵۵۳-۱۲-۳	
وضعیت فهرست نویسی :	قیپا	
موضوع :	رویه قضایی -- ایران	
موضوع :	حقوق عمومی -- ایران	Jurisprudence -- Iran
موضوع :	مسئولیت جزائی شخصیت حقوقی -- ایران	Public law -- Iran
موضوع :	سازمان‌های دولتی -- ایران	Criminal liability of juristic persons -- Iran
موضوع :	آیین دادرسی مدنی -- ایران	Administrative agencies -- Iran
موضوع :	آرای حقوقی -- ایران	Civil procedure -- Iran
موضوع :	اقامه دعوا -- ایران	Judgments -- Iran
موضوع :	پژوهشگاه قوه قضاییه، پژوهشکده استخراج و مطالعات رویه قضایی	Actions and defenses -- Iran
شناسه افزوده :	KMH۴۴۰	
رده بندی کنگره :	۳۴۹/۵۵	
رده بندی دیویی :	۷۶۱۸۲۸۵	
شماره کتابشناسی ملی :	قیپا	
وضعیت رکورد :		



مرکز مطالعات و انتشارات
قوه قضاییه



مرکز مطالعات و انتشارات
قوه قضاییه

وبسایت: www.jri.ac.ir کدپستی: ۱۹۸۳۸۴۶۵۱۴ تلفکس: ۰۲۱-۲۲۰۹۲۰۶۱

نشانی: بزرگراه چمران، بزرگراه یادگار امام، بعد از خروجی اوین درکه، پژوهشگاه قوه قضاییه

عنوان: وضعیت طرح دعوا توسط یا به طرفیت واحدهای زیرمجموعه اشخاص حقوقی حقوق عمومی

تهیه و تنظیم: پژوهشکده استخراج و مطالعات رویه قضایی

ناظران علمی: روح‌الله قلی‌خانی، محمدرضا شفا، حمیدرضا شفیعی

ویراستار حقوقی: محمدرضا شفا

ویراستار ادبی: داود رفیعی

صفحه‌آرایی: مریم کاظمینی

ناشران: پژوهشگاه قوه قضاییه، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه

قیمت: ۲۵۰/۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸ - ۶۲۲ - ۷۵۵۳ - ۱۲ - ۳

تیراژ و نوبت چاپ: ۱۰۰۰ نسخه - چاپ اول - تیر ۱۴۰۰

مرکز پخش، فروشگاه و نمایشگاه دائمی: تهران - خیابان حافظ - نبش خیابان سمیه - ساختمان شماره ۳ قوه قضاییه

شماره‌های تماس: ۰۲۱ - ۸۸۱۹۹۹۰۴ - ۰۲۱ - ۸۸۱۹۹۹۱۳ **وبسایت:** www.judpub.ir

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۹
مقدمه.....	۱۵
بخش اول: آراء قضایی مربوط.....	۲۳
پرونده اول.....	۲۳
پرونده دوم.....	۳۳
پرونده سوم.....	۴۳
پرونده چهارم.....	۴۶
بخش دوم: طرح بحث.....	۵۱
۱- بیان اجمالی موضوع و مروری گذرا بر آراء صادره.....	۵۱
۲- تحلیل و نظر قضات صادرکننده رأی و حاضران.....	۵۹
۱-۲- تبیین آراء بدوی و مبانی استدلالی آن.....	۵۹
۲-۲- صلاحیت ادارات شهرستانی برای دفاع از دعوا یا	
اقامه دعوا.....	۶۵
۲-۳- استقلال حقوقی موقوفه و واحدهای دانشگاه آزاد	
اسلامی و عدم استقلال اداره‌های تابعه دولتی در طرح یا	
دفاع از دعوا.....	۷۰
۲-۴- موافقت با نظریه مرجع تجدیدنظر دایر بر «نقض	
دادنامه بدوی».....	۷۲
۲-۵- تأیید دیدگاه قضات تجدیدنظر.....	۷۸
۲-۶- ضرورت تفکیک واحدهای تابعه از مؤسسات وابسته.....	۸۲
۲-۷- تأیید نظر دادگاه بدوی به لحاظ غلبه وجه شکلی	
موضوع.....	۸۸

- ۸-۲ حل مشکل با صدور رأی وحدت رویه دیوان عالی کشور یا وضع مقررہ خاص..... ۹۱
- ۹-۲ پیشنهاد اتخاذ یک موضع بینابین؛ جمع بین متن گرایي و مصلحت گرایي..... ۹۵
- ۱۰-۲ ضرورت تبیین مفهوم «وابسته» و «تابعه» در قانون..... ۹۹
- ۱۱-۲ توجه به جنبه‌های کاربردی بحث و ترجیح تفسیر کارکردگرایانه بر تفسیر لفظی..... ۱۰۴
- ۱۲-۲ ضرورت تفویض اختیار انجام اقدامات حقوقی به مدیران استانی و شهرستانی..... ۱۰۸
- ۱۳-۲ طرح چند مسئله مهم و پاسخگویی به آنها..... ۱۱۱
- ۱۴-۲ تأکید بر صحت آرای صادره..... ۱۱۳
- ۱۵-۲ قرائت رأی دادگاه تجدیدنظر در نقض رأی بدوی و بحث و نظر حاضران..... ۱۱۹
- بخش سوم: جمع‌بندی نظرات و دیدگاه‌ها..... ۱۲۹

گزارش نشست نقد رأی

تاریخ جلسه	روز	ساعت شروع	ساعت پایان	محل جلسه	دبیر جلسه
۱۳۹۹/۵/۲۹	چهارشنبه	۱۴:۳۰	۱۷	پژوهشگاه قوه قضاییه	روح الله قلی خانی
موضوع جلسه	<p style="text-align: center;">نشست نقد رأی قضایی موضوع: «وضعیت طرح دعوا توسط یا به طرفیت واحدهای زیرمجموعه اشخاص حقوقی حقوق عمومی»</p> <p>با عنایت به اینکه در خصوص موضوع مذکور از شعب مختلف مراجع قضایی استان آراء متفاوت با استدلال های مختلف صادر گردیده بود، به منظور بررسی و تحلیل آراء صادره نشست قضایی استان تشکیل گردید.</p>				
	<p>آقای دکتر ذبیح الله واحدی (رئیس شعبه ۲۸ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری)، آقای قاسم توکلی (مستشار شعبه ۲۸ دادگاه تجدیدنظر تهران)، آقای امیر کوهکن (رئیس شعبه هفتم دادگاه تجدیدنظر تهران)، آقای سید مجتبی لطیفی رستمی (رئیس شعبه سوم دادگاه عمومی حقوقی دماوند)، آقای دکتر علاءالدین رفیع زاده (معاون ساختار سازمانی سازمان اداری و استخدامی کشور)، آقای ذبیح الله سلمانی (مدیرعامل مجمع مدیران توسعه منابع انسانی قوای سه گانه) آقای دکتر علیرضا آذربایجانی (عضو هیأت علمی (بازنشسته) پردیس فارابی دانشگاه تهران)، آقای دکتر محمدرضا پاسبان (عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی)، آقای دکتر مسلم آقایی طوق (مدرس دانشگاه)، آقای دکتر مرتضی نجابت خواه (عضو هیأت علمی دانشگاه مازندران)، آقای سجاد جلالی (معاون اجرایی پژوهشگاه قوه قضاییه)، آقای دکتر محمد بهادری جهرمی (عضو هیأت علمی دانشگاه و قائم مقام رئیس پژوهشگاه قوه قضاییه)، آقای روح الله قلی خانی (رئیس پژوهشکده استخراج و مطالعات رویه قضایی)، آقای حمیدرضا شفیعی (جانشین رئیس پژوهشکده استخراج و مطالعات رویه قضایی)، آقای محمدرضا شفقائی (مدیر گروه تحلیل و بررسی آرای قضایی کشور) و آقای محمد سلگی (پژوهشگر حقوق اداری).</p>				
اعضای جلسه					

فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ (زمر / ۱۸)

پیشگفتار

پایه اصلی رویه قضایی را رأی دادگاه تشکیل می‌دهد و دادگاه از آن جهت که موظف است مطابق با قانون به دعاوی رسیدگی و حکم مقتضی را صادر کند، وظیفه شناسایی و تطبیق قانون حاکم بر موضوع مورد نزاع را بر عهده دارد. او در واقع مجری قانون در دعاوی مطروحه است و باید تلاش کند که حکم هر دعوا را در قوانین موضوعه بیابد و آن را بر مبنای قانون استوار سازد. روشن است که دادگاه نسبت به هر دعوا به‌طور خاص رسیدگی و تکلیف آن را معین می‌کند و از صدور حکم به‌صورت کلی و عام منع شده است، چراکه قاعده‌سازی و ایجاد حقوق از حیطة صلاحیت وی خارج است. بر همین مبنا اعتبار و اثر حکم دادگاه نسبی و محدود به همان دعوا و همان اشخاصی است که در دادرسی حضور داشته‌اند و در نتیجه حکمی که دادگاه صادر می‌کند جزئی و غیرقابل استناد در دیگر دعاوی مطروحه در همان دادگاه یا سایر دادگاه‌ها است و در برابر عموم، اعتبار و ضمانت اجرا ندارد مگر در مورد آراء وحدت رویه دیوان عالی کشور که در حکم قانون بوده و برخوردار از اوصاف قاعده حقوقی است و به دلیل کلی و نوعی بودن، در زمره منابع رسمی حقوق شمرده می‌شود.

با وجود این، گاهی دادگاه نمی‌تواند بر مبنای نص قانون به موضوع اختلاف رسیدگی و حکم صادر کند، زیرا در مواردی که حکم صریح و کاملی در قانون وجود ندارد، قانون ساکت یا ناقص و یا مجمل است و

گاه تعارض بین دو یا چند قانون دیده می‌شود و دادرس مجاز نیست به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال و یا تعارض، از رسیدگی و صدور حکم خودداری کند؛ پس ناچار است با استناد به آراء و فتاوی معتبر فقهی یا اصول حقوقی غیرمغایر با موازین شرعی و روح قانون یا عرف و عادت مسلم رسیدگی کند و احقاق حق نماید و بی‌تردید رأیی که در این موارد صادر می‌شود، نقش مکمل قانون را دارد.

به علاوه، در برخی موارد، رأی دادگاه مفسر قانون است. به تصریح اصل هفتادوسوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دادرس اجازه دارد در مقام تمیز حق به جست‌وجوی اراده قانونگذار و تفسیر از قانون بپردازد، با اینکه شرح و تفسیر قانون عادی در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است. باید توجه داشت که آراء قضایی چه به عنوان نسخه عملی اجرای قانون در دعاوی و چه در مقام مکمل و مفسر قانون، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری و توسعه نظام حقوقی کشور ایفا می‌کند. نگاهی اجمالی و گذرا به واقعیت‌های عینی و تجربی سال‌های گذشته به‌خوبی نشان می‌دهد که رویه قضایی با تأثیرپذیری از دیگر منابع حقوق و تأثیرگذاری متقابل بر آنها، تا چه اندازه توانسته به تحول و تکامل حقوق و انطباق قواعد مجرد حقوقی با ضرورت‌ها و نیازهای کنونی جامعه و واقعیت‌های خارجی کمک کند.

با در نظر داشتن نقش محوری آراء قضایی در توسعه و گسترش حقوق و اهمیت روزافزون آن به‌عنوان یکی از منابع مهم حقوق، بی‌گمان انتشار عمومی آراء قضایی و فراهم آوردن موجبات دسترسی عموم و به‌ویژه پژوهشگران به این آراء حساسیت و دقت قضایی در رسیدگی و صدور رأی را ارتقا می‌بخشد و سبب اتقان و استحکام

مبانی استدلالی رأی و استواری و تأیید آن در مراجع رسیدگی بالاتر می‌شود. علاوه بر این، بازخوانی و نقد و شرح و تفسیر آراء قضایی در نشست‌های علمی نقد و بررسی با حضور قضات و اندیشمندان حقوقی، به هدف یاد شده جامه عمل می‌پوشاند و به اتخاذ رویه قضایی واحد در حل مسائل مختلف حقوقی نیز منتهی می‌شود.

چنانکه اشاره شد، آراء قضایی نتیجه تطبیق موضوع مورد نزاع با حکم قانون از سوی دادگاه پس از رسیدگی به امور ترافعی مربوط است. هر قدر که این آراء از لحاظ مبانی قانونی و استدلالی و منطقی قوی‌تر باشد و بر پایه قانون و ادله معتبر پژوهشی و آموزشی باشد.

آراء قضایی یکی از جلوه‌های تطبیق موضوعات مختلف با احکام قانونی در مقام رسیدگی به امور ترافعی و حسبی در زمینه‌های حقوقی، جزایی، اداری و غیره می‌باشد. آراء هر چه مستندتر و مستدل تر باشد و بر پایه قانون و ادله معتبر صادر گردد، علاوه بر تأثیری که بر اجرای صحیح قانون و تحقق عدالت خواهد داشت، می‌تواند راهگشا و راهنمای دست اندرکاران نظام حقوقی در مسیر انجام دقیق وظایف و فعالیت‌هایشان در ابعاد قضایی، اجرایی، تقنینی، پژوهشی و آموزشی شود. ایجاد سازوکار مناسب برای تحلیل و نقد آراء قضایی و تشخیص آراء برجسته و انتشار نتایج آن از طرق فراگیر، ضرورت برگزاری جلسات نقد و تحلیل آراء را دوچندان ساخته است؛ لذا در راستای انجام بخشی از وظایف پژوهشگاه قوه قضاییه و دستیابی به این مهم، شیوه‌نامه برگزاری نشست نقد رأی تهیه شد و پس از اخذ و اعمال نظرات اصلاحی و تکمیلی دادگستری‌های کل استانی، در تاریخ ۱۳۹۹/۱/۲۵ به تصویب شورای پژوهشی پژوهشگاه قوه قضاییه رسید و ابلاغ گردید. در همین زمینه مقرر شد جلسات نقد رأی در

۱۲ / وضعیت طرح دعوا توسط یا به طرفیت واحدهای ...

سطوح پژوهشگاه، دادگستری‌های کل استان و دستگاه‌های اجرایی و مؤسسات دانشگاهی و علمی برگزار شود. اهداف، احکام و الزامات قانونی مرتبط با موضوع استخراج، انتشار و نقد آراء قضایی به شرح ذیل می‌باشد:

الف - اهداف

۱. تضارب، تبادل و رشد اندیشه‌ها و دیدگاه‌های گوناگون در رشته‌های مختلف حقوق و مرتبط با آن، بین اشخاص ذی‌ربط از جمله قضات و صاحب‌نظران؛
۲. تشویق و ترویج و تقدیر آراء قوی و نوآورانه و ایجاد زمینه لازم برای نقد آراء و رفع کاستی‌های علمی رویه‌های قضایی؛
۳. ایجاد انسجام بین نظرات دانشگاهیان و قضات و الگوسازی علمی و عملی در ارتباط با آراء قضایی؛
۴. ایجاد زمینه‌های لازم برای تحقق رویه قضایی غالب و مستقر یا وحدت رویه قضایی، تقریب آراء قضایی و کاستن از صدور آراء متهاافت؛
۵. ایجاد بستر مناسب برای شناسایی آثار مثبت، منفی، آسیب‌ها، چالش‌ها و فرصت‌های ناشی از آراء قضایی در ابعاد حقوقی، قضایی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و غیره و ارائه راهکارهای اصلاحی در این زمینه‌ها؛
۶. آگاهی‌بخشی، آموزش عمومی و تقویت نظارت همگانی نسبت به نظام حقوقی و قضایی؛
۷. زمینه‌سازی جهت انطباق آراء با مبانی و موازین شرعی در حوزه‌های مختلف.

ب - احکام و الزامات قانونی استخراج، انتشار و نقد آراء قضایی

۱. بندهای ۲ و ۱۴ اصل سوم، اصل ۶۱ و اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛
۲. بندهای ۸، ۱۰، ۱۵ و ۱۶ سیاست های کلی قضایی مصوب ۱۳۸۱/۷/۲۸ مقام معظم رهبری؛
۳. بندهای ۴ و ۷ سیاست های کلی نظام برای حفظ شأن و استقلال قضاات مصوب ۱۳۸۴/۱۲/۲۷ مقام معظم رهبری؛
۴. بندهای الف و ب ماده ۱ و مواد ۱۴ و ۲۳ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۷/۱۱/۶؛
۵. بندهای الف، ب و پ ماده ۱ آیین نامه اجرایی قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۹۳/۸/۲۱ هیأت وزیران؛
۶. بندهای ۴، ۶، ۱۱ و ۱۴ سیاست های کلی قضایی پنج ساله مصوب ۱۳۸۸/۹/۱ مقام معظم رهبری؛
۷. جزء ۴ بند د ماده ۲۱۱ قانون پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۲۵؛
۸. جزء ۵ بند ج ماده ۱۱ قانون ارتقای سلامت اداری و مبارزه با فساد مصوب ۱۳۹۰/۸/۷؛
۹. مواد ۶۳، ۶۵۰، ۶۵۳، ۶۶۰ و ۶۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴؛
۱۰. بندهای الف و ب ماده ۳۸ قانون احکام دائمی برنامه های توسعه کشور مصوب ۱۳۹۵/۱۱/۱۰؛
۱۱. جزء های ۱ و ۲ بند ت، بند ج ماده ۱۱۳، بند ب ماده ۱۱۶ و بند

۱۴ / وضعیت طرح دعوا توسط یا به طرفیت واحدهای ...

ب ماده ۱۲۰ قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۵/۱۲/۱۴؛

۱۲. بندهای الف و ب ماده ۸، بندهای الف، ب و پ ماده ۱۴ و بندهای ث، چ، ح، خ و د ماده ۲۰ دستورالعمل پیگیری اجرای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در قوه قضاییه مصوب ۱۳۹۶/۶/۲۹ رئیس قوه قضاییه؛

۱۳. بندهای ب و ث ماده ۵ دستورالعمل حفظ کرامت و ارزش‌های انسانی در قوه قضاییه مصوب ۱۳۹۸/۴/۲۲ رئیس قوه قضاییه.

امید است با انتشار نتایج و دستاوردهای این جلسات، در تبیین و نقد هرچه مؤثرتر آراء قضایی و تشخیص آراء برجسته و الگو گام برداریم و زمینه‌های توسعه رویه قضایی به عنوان یکی از منابع مهم حقوق (حقوق زنده) و همچنین ارتباط متقابل دکترین و رویه قضایی را فراهم آوریم.

ضمناً صاحب‌نظران و پژوهشگران محترم می‌توانند نظرات سازنده و راهگشای خود را از طریق رایانامه bijp@jri.ac.ir برای پژوهشگاه قوه قضاییه ارسال کنند.

پژوهشگاه قوه قضاییه

پژوهشکده استخراج و مطالعات رویه قضایی

مقدمه

طرح دعوا وفق عموماً و اصول کلی دادرسی و همچنین قوانین آیین دادرسی شرایطی دارد که از آن جمله می‌توان به داشتن نفع، سمت و همچنین اهلیت در خصوص اشخاص حقوقی حقوق خصوصی و صلاحیت در خصوص اشخاص حقوقی عمومی و نمایندگان ایشان^۱ اشاره کرد. فقدان هریک از شرایط پیش‌گفته، دعوا را با ایرادات و موانع رسیدگی^۲ مندرج در قانون آیین دادرسی مدنی مواجه می‌کند و مانع شروع فرایند دادرسی است. این مهم، به‌ویژه در طرح دعاوی از جانب نمایندگان اصیل، چالش‌های بیشتری را در پی دارد. نمایندگی در نظام حقوقی ایران خود اقسامی دارد؛ یکی از این اقسام **نمایندگی قانونی** است. این قسم نمایندگی به موردی اطلاق می‌شود که نمایندگی نماینده از اصیل، در قانون به‌طور مشخص

۱. ماده ۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب: هیچ دادگاهی نمی‌تواند به دعاوی رسیدگی کند مگر اینکه شخص یا اشخاص ذی‌نفع یا وکیل یا قائم‌مقام یا نماینده قانونی آنان رسیدگی به دعوا را برابر قانون درخواست نموده باشند.

۲. ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب: در موارد زیر خوانده می‌تواند ضمن پاسخ نسبت به ماهیت دعوا ایراد کند:

۱. دادگاه صلاحیت نداشته باشد.

۲. دعوا بین همان اشخاص در همان دادگاه یا دادگاه هم‌عرض دیگری قبلاً اقامه شده و تحت رسیدگی باشد و یا اگر همان دعوا نیست دعوایی باشد که با ادعای خواهان ارتباط کامل دارد.

۳. خواهان به جهتی از جهات قانونی از قبیل صغر، عدم رشد، جنون یا ممنوعیت از تصرف در اموال در نتیجه حکم ورشکستگی، اهلیت قانونی برای اقامه دعوا نداشته باشد.

۴. ادعا متوجه شخص خوانده نباشد....

پیش‌بینی شده و لذا اراده طرفین در آن نقشی ندارد؛ مانند نمایندگی پدر و جد پدری از صغیر که در اصطلاح قانون، ولایت قهری نامیده می‌شود (ماده ۱۱۸۱ و ۱۱۸۳ ق.م). برخی علاوه بر ولی خاص، نمایندگی وزرا و رؤسای سازمان‌ها، مؤسسات و نهادهای انقلابی و غیره را به ترتیب از وزارتخانه، سازمان، مؤسسه، نهادهای انقلابی و غیره نوعی نمایندگی قانونی به معنی اخص به شمار آورده‌اند. مورد دیگر **نمایندگی قضایی** است. این سنخ از نمایندگی به موجب رأی دادگاه تعیین می‌شود و اراده اصیل در ایجاد آن نقشی ندارد. درواقع، ریشه این نوع نمایندگی نیز حکم قانون است، ولی چون نمایندگی به موجب رأی دادگاه اعلام می‌شود، نمایندگی قضایی نامیده می‌شود؛ مانند نمایندگی قیم از صغیر یا مجنون و غیررشد (مواد ۱۲۲۵ و ۱۲۱۸ ق.م) و نمایندگی امین در اداره اموال غایب یا نمایندگی حاکم بر ممتنع (ماده ۲۳۸ ق.م) و غیره. سرانجام می‌توان به **نمایندگی قراردادی** اشاره کرد. در این نمایندگی، ایجاد صلاحیت و اختیار برای شخص نماینده اغلب به موجب اراده اصیل صورت می‌گیرد. درواقع، اراده جوهر این قسم از نمایندگی است که صلاحیت و اختیار تصرف را در اراده نماینده ایجاد می‌کند و البته پذیرش نماینده نیز در مواردی مطرح می‌شود.

بیان موضوع

با توجه به اقسام ذکر شده از نمایندگی، نحوه طرح و پیگیری دعاوی توسط نماینده‌های قراردادی، قانونی و حقوقی — قراردادی اندکی متفاوت است و قانونگذار نیز در قانون آیین دادرسی مدنی درخصوص نحوه تقدیم دادخواست و اقامه دعوا توسط نمایندگان،

اصول و الزامات آمره‌ای را تعیین کرده^۱ که عدم رعایت آن موارد، حسب مورد، ضمانت اجرایی در پی دارد و منجر به صدور قرارهایی از جمله رد دادخواست، رد دعوا و عدم استماع دعوا می‌شود. یکی از این موارد ذکر نام وکیل یا نماینده در مواردی است که دعوا به نمایندگی طرح می‌شود. بدیهی است که در این موارد، سمت نمایندگی - در هر نوعش - باید محرز و قانونی باشد. در این صورت است که قید آن در دادخواست موضوعیت می‌یابد. در غیر این صورت، مسئله اصلی مبنا و جهت نمایندگی است که در بسیاری از موارد مفقود است و دعوا به علت فقدان سمت رد می‌شود. یکی از شایع‌ترین موارد طرح دعاوی در نظام حقوقی و دادرسی ما طرح دعوا به نمایندگی از سازمان‌ها و نهادهای عمومی و دولتی است.^۲

۱. ماده ۵۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب: دادخواست باید به زبان فارسی در روی برگه‌های چاپی مخصوص نوشته شده و حاوی نکات زیر باشد:

۱. نام، نام خانوادگی، نام پدر، سن، اقامتگاه و حتی‌الامکان شغل خواهان.
تبصره - در صورتی که دادخواست توسط وکیل تقدیم شود مشخصات وکیل نیز باید درج گردد....

۲. ماده ۳۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب: وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی و وابسته به دولت، شرکت‌های دولتی، نهادهای انقلاب اسلامی و مؤسسات عمومی غیردولتی، شهرداری‌ها و بانک‌ها می‌توانند علاوه بر استفاده از وکلای دادگستری برای طرح هرگونه دعوا یا دفاع و تعقیب دعاوی مربوط از اداره حقوقی خود یا کارمندان رسمی خود با داشتن یکی از شرایط زیر به عنوان نماینده حقوقی استفاده نمایند:

۱. دارا بودن لیسانس در رشته حقوق با دو سال سابقه کارآموزی در دفاتر حقوقی دستگاه‌های مربوط.

۲. دو سال سابقه کار قضایی یا وکالت به شرط عدم محرومیت از اشتغال به مشاغل قضاوت یا وکالت.

در مواردی که نمایندگان قانونی نهادها و سازمان‌های دولتی و عمومی - که اصولاً رؤسای مراجع مزبور هستند - شخصاً دادخواست را تنظیم کنند، حتماً نام شخصیت حقوقی را که نماینده قانونی او هستند، به عنوان خواهان قید می‌کنند و چنانچه این امر از طریق نماینده حقوقی وفق ماده ۳۲ قانون آیین دادرسی مدنی انجام پذیرد، نماینده حقوقی همان امری را می‌تواند انجام دهد که ایشان از ناحیه آن شخص معرفی شده است، یعنی طرح دادخواست از ناحیه سازمان؛ تنها تفاوت تنظیم دادخواست هم در این صورت تفاوت اشخاص امضاکننده است. به علاوه، سازمان‌ها و نهادهای دولتی مستقر در مرکز اداره امور کشور، حسب نظام عدم تمرکز و عدم تراکم اداری، دارای نهادهای تابعه‌ای در استان‌ها و شهرستان‌ها هستند. رؤسای نهادهای تابعه در استان‌ها و شهرستان‌ها جهت طرح دعاوی به نمایندگی اصولاً با دو رویکرد مواجه هستند. برخی محاکم بر آن هستند که نهادها و ادارات تابعه نظر به اینکه واجد شخصیت حقوقی مستقل نیستند، نمی‌توانند رأساً و به عنوان «نماینده قانونی» مبادرت به طرح دعوا کنند و صرفاً می‌توانند به عنوان «نماینده حقوقی» و در قالب ماده ۳۲ قانون مدنی و با تفویض اختیار از جانب رئیس اصلی سازمان مرکزی طرح دعوا کنند. آنها بر این عقیده هستند که بالاترین مقام اجرایی وزارتخانه یا سازمانی که حسب قانون متولی اموری در کشور می‌باشد، نماینده قانونی آن وزارت، سازمان یا... به شمار می‌آید که اگرچه در امور اداری می‌تواند قسمتی از وظایف و اختیارات خویش را بدون در نظر گرفتن شرایط

خاص آن مسئولیت تفویض نماید، لیکن در امور حقوقی و طرح دعاوی می‌بایست لزوماً شخصاً یا توسط وکیل ذی صلاح دادگستری دخالت کند یا حسب مقرر مذکور در ماده ۳۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، مبادرت به معرفی نماینده حقوقی نماید و چنانچه بخواهد، چنین اختیاری را به شخصی از همان وزارتخانه، سازمان یا... تفویض کند. به زعم آنها، ادارات و نهادهای استانی و شهرستانی تابعه و صرفاً جزئی از سازمان و اداره مرکزی هستند و تنها ریاست و سرپرستی امور اداری را به عهده دارند که این مهم به‌تنهایی موجد نمایندگی قانونی و یا سمت حقوقی جهت طرح یا دفاع از دعاوی نیست چه اینکه نمایندگی قانونی نیاز به تصریح قانونی دارد. بر این اساس، نهادها و ادارات تابعه سازمان تا زمانی که قانون صراحتاً شخصیت حقوقی مستقل برای آنها قائل نشود، همچون سایر بخش‌های سازمان، مستقلاً مجاز به طرح دعوا نیستند چراکه بر مبنای اصل تمرکز، جزئی از سازمان هستند نه خود سازمان، زیرا شخصیت حقوقی برعکس شخصیت حقیقی که به محض تولد به‌وجود می‌آید، به صرف استقرار در محل یا داشتن ساختمان و تشکیلات یا تصمیم و تشخیص مدیران مبنی بر اینکه در شهرستان یا بخش حسب نیاز، یک واحد تابعه تأسیس یا منحل شود، به‌هیچ‌وجه ایجاد یا منحل نمی‌شود، بلکه این مهم باید بر اساس قانون یا اساسنامه به وجود آید تا نهادهای تابعه امکان طرح دعوا یابند.

از دیگر سوی، برخی از محاکم و حقوق‌دانان بر این عقیده هستند که نهادها و سازمان‌ها در کل کشور دارای شخصیت حقوقی واحد هستند و توابع محلی آنها، اعم از استانی و شهرستانی، از لحاظ

اصول حقوق اداری دنباله موسع همان ادارات و مجری همان کارویژه‌ها و دستورها در محل می‌باشند و به نوعی از این حیث، واجد «**شخصیت حقوقی تبعی**» هستند و همان‌طور که در انجام امور اداری با مانعی مواجه نیستند، راجع به امور حقوقی نیز دارای سمت و صلاحیت می‌باشند، زیرا امور حقوقی ماهیت ویژه‌تر و مهم‌تری نسبت به امور اداری، مالی و تشکیلاتی سازمان‌های تابعه ندارد تا نهادهای مزبور را در اموری حقوقی فاقد صلاحیت و در امور غیرحقوقی دارای صلاحیت بدانیم. از منظر حقوق اداری، نهادها و سازمان‌های اداری زیرمجموعه دولت - از جمله وزارتخانه‌ها، ادارات کل استان‌ها و ادارات تابعه شهرستانی - همه یک شبکه واحد را تشکیل می‌دهند و دارای شخصیت حقوقی واحدی هستند؛ یعنی اجزای دولت شخصیت حقوقی مستقلی ندارند. دولت در معنای عام، قوای سه‌گانه را دربرمی‌گیرد و وزارتخانه‌ها و ادارات کل و شهرستان‌ها جزئی از این مجموعه منسجم و پیکره واحدند؛ لذا تقسیم کار که بر مبنای حوزه جغرافیایی محل خدمت و تقسیمات کشوری در سطوح مرکزی، استانی و شهرستانی صورت گرفته، واحدهای دولتی استانی و شهرستانی را برخوردار از شخصیت حقوقی تبعی کرده و آنها می‌توانند به نمایندگی از دولت و دستگاه متبوع خود، حسب مورد، در دادگاه‌های عمومی مستقر در شهرستان مرکز استان یا در شهرستان محل خدمت اقامه دعوا کنند یا طرف دعوا واقع شوند. این استدلال موافق اصل تعطیل‌ناپذیری و استمرار در ارائه خدمات عمومی است که یکی از اصول بنیادین حقوق اداری و اداره مطلوب نیز می‌باشد.

بنابراین در این خصوص که نهادها و واحدهای زیرمجموعه

اشخاص حقوقی حقوق عمومی و خصوصی از حیث طرح دعوا یا طرف دعوا قرار گرفتن مستقل هستند یا تابع و وابسته، بین دادگاه‌ها اختلاف نظر وجود دارد. بعضی محاکم معتقد هستند که واحدهای مذکور بنابر ملازمه عقلی و اقتضائات اداره امور در محل، واجد شخصیت حقوقی تبعی برای طرح دعوا یا دفاع از دعوای طرح شده به طرف خود هستند و می‌توانند مستقل از واحد اصلی اقدام کنند. در مقابل، بعضی از محاکم برای چنین اقدامی، تفویض اختیار در قالب شرح وظایف یا حکم جداگانه و یا نمایندگی حقوقی موضوع ماده ۳۲ آیین دادرسی مدنی از سوی واحد اصلی به واحد زیرمجموعه را لازم می‌دانند. نتیجه پذیرش هریک از این نظرهای مطرح شده، محدودیت‌ها و توسعه‌هایی در طرح یا دفاع از دعوای و همچنین صلاحیت محلی محاکم ایجاد می‌کند که آثار مثبت و منفی برای طرفین دعوا به دنبال دارد.

چالش‌ها و پرسش‌ها

۱. آیا واحدهای زیرمجموعه اشخاص حقوقی دارای شخصیت حقوقی، به منظور طرح دعوا یا طرف دعوا واقع شدن هستند؟ اگر پاسخ مثبت است، مبانی قانونی و استدلالی آن (قانون، اساسنامه، اصول حقوقی، اداری و...) چیست؟
۲. اگر پاسخ پرسش قبل منفی باشد، آیا طرح دعوا یا دفاع از دعوا از طرف واحدهای زیرمجموعه شخص حقوقی مستلزم تصریح در شرح وظایف مصوب یا تفویض اختیار جداگانه از طرق مقام ذی‌صلاح یا صرفاً با رعایت ماده ۳۲ قانون آیین دادرسی مدنی است؟
۳. با فرض نداشتن شخصیت حقوقی واحدهای زیرمجموعه،

۲۲ / وضعیت طرح دعوا توسط یا به طرفیت واحدهای ... _____

صرف تفویض اختیارات اداری به واحد زیرمجموعه برای طرح دعوا و دفاع از آن کفایت می‌کند یا باید ترتیبات مقرر در ماده ۳۲ قانون آیین دادرسی مدنی هم در مقام معرفی نماینده حقوقی رعایت شود؟

محمد سلگی